فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و دوم، بهار ۱۳۹۷ – صفحات ۱۸۰-۱۵۵

بررسی اقتصاد در آیینه رفتار و گفتار امام رضا(ع)

سیدجلال موسوی[۱]

تاریخ دریافت:۱۳۹۵/۰۷/۱۹ **تاریخ پذیرش:۱۳۹۶/۰۲/۲۴**

چکیده

دین مبین اسلام، در راستای نیل آدمی به کمال، به امور مختلف او توجه بسیاری کرده است. اقتصاد و مباحث مرتبط با آن یکی از این امور مهم است که تبیین و ترسیم آن، در قرآن‌کریم و سیرهٔ پیشوایان دینی(ع)، نمود گسترده‌ای دارد. با توجه به پیدایش مکاتب مختلف اقتصادی، که عمدتاً مبتنی براصالت سرمایه و سود هستند، امروزه توجه به این نوع مباحث در دین اسلام بیش از همیشه ضروریست. بنابراین در این مقاله مباحث اقتصادی در سیرهٔ امام رضا(ع) بررسی شده است. طبق بررسی‌ها، امام رضا(ع) از یک‌سو با تبیین ضرورت‌کار، اعتدال در معیشت و ساده‌زیستی، و از سوی دیگر با هشدار نسبت به اسراف، همگان را از عواقب ثروت‌اندوزی برحذر داشته‌اند. در این راستا ایشان با ذکر خانواده و نیازمندان به عنوان محل‌های مناسب برای مصرف درآمد، الگویی از مصرف را ترسیم کرده‌اند که عمل به آن در عصر رواج مصرف‌گرایی، کمالی را که اسلام برای فرد و جامعه در نظر دارد محقق می‌کند.

واژگان‌کلیدی: امام‌رضا(ع)، اقتصاد، اسلام، ثروت، مصرف.

طبقه‌بندی JEL: z12

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور j.mousavy@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

مقدمه

هر جامعه‌ای در واقع متشکل از مجموعه‌ای از نظام‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره است. این نظام‌ها اندام‌وار با یکدیگر تعامل می‌کنند و بـه انسـجام و تـداوم حیـات اجتمـاعی در هـر جامعه منجر می‌شوند. یکی از با سابقه‌ترین و موثرترینِ نظـام‌هـا در هـر جامعـه‌ای، نظـام اقتصـادی است. منظور از نظام اقتصادی«مجموعه مرتبط و منظم عناصری اسـت کـه بـه منظـور ارزشـیابی و انتخـاب در زمینـه تولیـد، توزیـع و مصـرف، بـرای کسـب بیشـترین موفقیـت، فعالیـت مـی‌کنـد» (نمازی، ۱۳۸۲: ۲۹). طبعاً کیفیت و کمیت چنین نظامی در جوامـع گونـاگون و در گسـترهٔ تـاریخِ طولانیِ حیات بشری یکسان نبوده است اما آن‌چه آشکار است این است که از یک‌سو نظام مذکور از گذشته دور به اشکال مختلف در همه جوامع موجود بـوده و بخـش اعظمـی از مناسـبات انسـانی را تشکیل می‌داده است از سوی دیگر نیز شکوفایی جوامع و نیل آن‌ها به تمدن شکوهمند بدون نظـام اقتصادی پویا ممکن نبوده است. بنابراین اقتصاد و بررسی تلقیـات هـر جامعـه و هـر مکتبـی از آن، اهمیت بسیاری دارد و بدون توجه به این مفهوم، ماهیت جوامع، و تحولات آن‌ها در طول تـاریخ بـه صورت کامل آشکار نمی‌شود.

در راستای تبیین نظام‌های موجود در اجتماع نمی‌توان منشأ شکل‌گیری آن‌ها را نادیده گرفـت. می‌توان گفت منابع پیدایش نظام‌های مختلف اجتماعی، از جمله نظام اقتصـادی، مختلـف و متعـدد است. تجربه‌های مشترک بشری در قالب عقل جمعی، یافته‌های نوابغ، و عوامل پیدا و پنهـان بسـیار دیگری هر یک در شکل دهی به این نظام‌ها مؤثر بوده‌اند. در میان این عوامل، مکاتب و ادیـان الهـی نیز همواره سهم گسـترده‌ای در عرضـه نظـام‌هـا داشـته‌انـد. بشـر از گذشـته دور تـاکنون براسـاس چارچوب‌های مترقـی‌ای کـه مکاتـب آسـمانی تعریـف و تـدوین کـرده‌انـد، امـور گونـاگون خـود را سازمان‌دهی کرده و به مراتب مهمی از تمدن و فرهنگ نایل شده است. دین مبین اسلام نیز که بـه همه ابعاد فردی و اجتماعی حیات بشـر عنایـت دارد، بـه نظـام‌هـای اجتمـاعی بـه ویـژه اقتصـاد، و مناسبات و مفاهیم آن توجه ویژه ابراز کرده است[۱]، تا جایی که طبق آیه شریفه «أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَـمًا»(نساء/ ۵) سرمایه و ثروت که از مفاهیم پایه‌ای اقتصاد اسـت در آن، «قـوام» خوانـده شده است؛ امری که خود به تنهایی و بدون در نظر گرفتن دیگر تعـالیم اسـلامی، حـاکی از اهمیـت بسیارِ اقتصاد در دین اسلام و جامعه مسلمانان است.

---

۱. برای مطالعه بیشتر درباره نظام‌مندی اقتصاد اسلامی ر.ک. هادوی‌نیا، علی اصغر، «نظریه نظام‌مندی معرفت‌هـای مکاتب اقتصادی (مطالعه موردی اقتصاد کلاسیک و اقتصاد اسلامی)»، فصلنامه علمی، پژوهشـی اقتصـاد اسـلامی، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۸۹، ص ۳۳-۶۰.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

این توجه ویژه به اقتصاد، در قرآن‌کریم به انحای مختلف مطرح و ابراز شده و در واقع این کتاب آسمانی به نحو بارزی دیدگاه‌های اقتصادی اسلام را بیان کرده است. علاوه بر قرآن‌کریم، ترسیم مفصلِ مناسبات و مفاهیم اقتصادی اسلام در سیره عملی و نظری پیشوایان دین اسلام نیز صورت گرفته است. از آن‌جا که پیشوایان هر دینی، مروجان و معرفان همه جانبه و عمیق آن دین هستند، پیشوایان دین اسلام نیز به ترسیم و تعریف همه‌جانبه آموزه‌های گوناگون دین اسلام از جمله امور اقتصادی آن پرداخته‌اند. بر این اساس و راستای تبیین و ترسیم بهتر و بیشتر چارچوب‌ها و دیدگاه‌های اقتصادی اسلام، در این مقاله اقتصاد در آیینه رفتار و گفتار حضرت ثامن‌الحج، امام علی بن‌موسی‌الرضا(ع) بررسی می‌شود تا از یک‌سو جایگاه دیدگاه‌های اقتصادی اسلام در عصر غلبه مکاتب اقتصادیِ عمدتاً سرمایه‌مدار و سودمحور تبیین شود و از سوی دیگر از سر این تبیین، راه برای نیل به اهداف متعالی تعالیم آن حضرت در همه ابعاد از جمله در بعد اقتصادی هموارتر شود. این بررسی به شیوه کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی، تطبیقی صورت گرفته است، به این معنی که ضمن ذکر بیانات و رفتارهای اقتصادی امام رضا(ع) از منابع گوناگون روایی، برای ترسیم همسویی همه‌جانبه رفتار و گفتار اقتصادی ایشان با دیدگاه‌های اقتصادی اسلام، شواهدی از آیات قران و کلام حضرت علی (ع)، ذکر شده است تا تصویری جامع‌تر از دیدگاه‌های اقتصادی اسلام به دست داده شود. توصیف و تطبیق مذکور، براساس مطالبِ منابعِ دربردارنده سیره عملی و نظری امام رضا(ع)، در قالب پنج بخشِ ضرورت کار و تحصیل درآمد، جایگاه مال و ثروت و نحوه برخورداری از آن، نحوهٔ کسب درآمد، بایدها و نبایدهای مصرف درآمد، و محل‌های صرف درآمد، ترسیم شده است که ذیلاً بتفصیل بحث و بررسی می‌شود[۱].

۱. بنا بر وجود آموزه‌های و مفاهیم گوناگون اقتصادی در اسلام، تحقیقات متعددی دربارهٔ اقتصاد اسلامی صورت گرفته است. طبق یکی از ارزشمندترین بررسی‌ها که شهید صدر در کتاب «اقتصاد ما» صورت داده، بارزترین وجه اقتصاد اسلامی جنبه «مکتبی» آن است؛ به این معنا که در نظام اقتصادی اسلام عرضه روش‌های عادلانه و تلاش برای برطرف کردن اجحاف در فعالیت‌های اقتصادی، کمال مطلوب محسوب می شود(نک: صدر، ۱۳۶۹: ص۳۵). از این رو طبق تلقی دین مبین اسلام، مشکل اصلی در اقتصاد، نبود منابع ثروت نظیر معادن و ذخایر زیرزمینی نیست بلکه معضل اساسی ناهنجاری‌های ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت و اسراف و تبذیر در بهره‌گیری از نعائم خدادادی است(نک: همان: ۳۰۸). این که قرآن کریم در آیه شریفه «الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم»(توبه/۳۴)، انباشت‌کنندگان ثروت را به عذاب الیم بشارت می‌دهد و در آیه «لاَ تَأْكُلُواْ أَمْوَ لَكُم بَيْنَكُم بِالْبَـطِـل...»(نساء/۲۹)، از تصرف نامشروع اموال نهی می‌کند، همگی ناظر به همین کمال مطلوب در اقتصاد اسلامی است که به آن اشاره شد. علاوه بر آیات مذکور، آیات و روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد که مؤید این رویکرد خاصِ اسلام به اقتصاد است و بی‌شک براساس این شواهد بی‌شمار می‌توان اسلام را، دین مروج عدالت اقتصادی و نفی‌کننده نابرابری دانست. بنابراین هر جامعه‌ای که مبتنی برتعالیم اسلامی باشد،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۱- ضرورت کار و تحصیلِ درآمد از دیدگاه امام رضا(ع)

بدیهی است که بدون فعالیت و کوشش مناسب، تولید و به طبع آن توزیع و مصرف مناسب در جامعه صورت نمی‌گیرد و چرخ‌های اقتصادی در آن به حرکت درنمی‌آید. اسلام دین رهبانیت و گوشه‌نشینی نیست تا فعالیتی در آن صورت نگیرد، بلکه در تعالیم متعدد این دین مبین، به کار و برآورد نیازهای انسان توجه بسیار شده، به طوری که کسب روزی از واجبات دانسته شده است؛ رسول‌خدا (ص) می‌فرماید: «طَلَبُ الْحَلالِ فَریضَةٌ عَلی کُلِ مُسْلِمٍ وَ مِسْلِمَةٌ»؛ یعنی تلاش برای به دست آوردن درآمد حلال، بر هر مرد و زن مسلمان واجب است(نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱۰۰: ۹). این کلام رسول خدا ضمن تصریح به وجوب کسب‌روزی، جنبه «همگانی» کوشش برای کسب را نیز آشکار می‌کند، یعنی طبق این کلام مبارک نبوی، زن و مرد باید هر دو برای کسب روزی بکوشند. شک نیست در جامعه‌ای که زن و مرد، هر دو برای کسب روزی فعالیت کنند، آن جامعه، جامعه‌ای پویا و فعال خواهد بود و در آن، تولید و خودبسندگی به نحو مطلوب شکل خواهد گرفت. نکته دیگری که از این سخن حضرت رسول برمی‌آید نظام‌مندی و چارچوب داشتن فعالیت‌های اقتصادی در اسلام است. حضرت بر«روزی حلال» تأکید کرده و بدین‌ترتیب راه را بردرآمد و فعالیت‌های نامشروع بسته است. کسب روزی از راه‌های مشروع از اصول مهم اقتصاد اسلامی است که قرآن‌کریم نیز بر آن تاکید کرده است: «یا أَیّهَا النّاسُ کُلُوا مِمّا فِی ألأَرْضِ حَلالاً طَیِّبًا وَ لا تَتّبِعُوا خُطُواتِ الشّیْطانِ إِنّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ»؛ ای مردم! از آن‌چه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید و از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست(بقره/۱۶۸).

بی‌چون و چرا رویکرد مذکور خط مشی اصلی آن خواهد بود. این دعوی به راحتی با نظر به برخی از اصول قانون اساسی کشور ما، که مطابق تعالیم اسلامی تدوین شده، اثبات شدنی است. مثلاً اصل ۴۳ قانون اساسی از این نمونه است. این اصل ناظر به «تأمین نیازهای اساسی» است، و در آن از «مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشرع دیگر که نه به تمرکز و تداوم ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد،... منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات» سخن رفته است که آشکارا مبین رویکرد عدالت‌محورِ اقتصادی اسلامی و نفی اسراف و تبذیر در آن است. برای مطالعه بیشتر درباره عدالت محوری اقتصاد اسلامی ر.ک. توتونچیان، ایرج و حسین عیوضلو، «کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره۵۷، پاییز و زمستان ۷۹، ص۹۷-۱۳۲.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

در راستای تعالیم اسلامی مذکور، امام رضا(ع) نیز به انحای مختلف به ضرورت کار و کسبِ درآمد اشاره کرده‌اند. اشارات امام در این باره‌گاه صریح و گاه غیرمستقیم است. امام با ذکر حدیث قدسیِ «ای احمد، عبادت ده قسمت است که نه قسمت آن کسب روزی حلال است پس هر گاه غذا و نوشیدنی خود را پاک ساختی و از راه حلال بدست آوردی، تو در حمایت من هستی» (قمی، بی‌تا، ج۲: ۳۳۰)، اهمیت بسیار کسب روزی حلال را به صراحت تمام بیان فرموده‌اند. همچنین ایشان با بیان این که «کسی که برای رفع نیازمندی خانواده کار و تلاش می‌کند و به دنبال کسب مال می‌رود، دارای پاداشی بزرگتر از مجاهد در راه خداوند است» (کلینی، ۱۳۶۲ق، ج۴: ۸۹)، باز بر جایگاه کار و کوشش به نحوی بارز تأکید کرده‌اند. اهمیت کار و کوشش تا آن‌جاست که به نظر حضرت، توقع موفقیت بدون کوشش، مضحک و به معنی تحقیر خود است: «من سأل التوفیق و لم یجتهد فقد استهزء بنفسه»؛ کسی که توفیق از خداوند بخواهد ولی کوشش نکند خود را مورد استهزاء قرار داده است(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱۱: ۳۵۶). به همین دلیل به فرموده ایشان «مردم ناگزیرند در تلاش زندگی خویش باشند، [و] کوشش در راه کسب مال» نباید به هیچ روی رها شود(حکیمی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۵: ۳۲۰). علاوه بر این اشارات صریح، حضرت با تقبیح فقر و برشمردن پیامدهای مذموم آن در حدیث «المسکنه مفتاح البؤس»، بینوایی و فقر را کلید بدبختی و بیچارگی می‌دانند(نک: مجلسی، همان، ج۷۵: ۲۶۰) و به نحوی غیرمستقیم به ضرورت اقدام به کسبِ روزی اشاره کرده‌اند. در راستای این نوع اشارات غیرمستقیم به ضرورت کار و کسب روزی، حضرت دست نیاز به سوی دیگران بردن را عامل فقر و تنگدستی ذکر کرده‌اند(همان، ج۹۳: ۱۵۷) و با ذکر این حدیث که «خداوند، پرخواهشی را دشمن می‌دارد»(حرانی، ۱۳۸۲: ۴۴۳) بر مناعت طبع و برآورد نیازها از راه سعی و تلاش تأکید کرده‌اند.

علاوه بر سخنان امام رضا(ع) درباره ضرورت کار و کسب روزی، سیره عملی آن حضرت نیز دربردارنده مصادیقی از کار و تلاش عملی ایشان است. امام(ع) در کسوت امامت مسئولیت‌های سنگین بسیاری داشت، اما با وجود این امر، از هر فرصتی که پیش می‌آمد برای کارهای عملی استفاده می‌کردند. نقل است حضرت در سفر خود به خراسان، درمحله‌ای از محلات نیشابور، حمام و حوضی عمومی بنا کردند و در همین شهر در خانه پیر زنی نهال غرس کردند (نک: عطاردی، ۱۳۸۸، ج۲: ۵۸). همچنین نقل شده است ایشان برای تأمین مایحتاج، شخصاً راهی بازار می‌شدند و لوازم روزانه زندگی خود را تهیه می‌کردند(نک: ابن‌بابویه، ۱۳۸۰: ۲۰۵). همه این موارد حاکی از این است که آنچه امام، در «نظر» فرموده‌اند در«عمل» ایشان نیز محقق می‌شده است و شخص ایشان فقط در مقام موعظه و پند، آمر به کار و کسب نبوده‌اند بلکه در میدان عمل نیز علی‌رغم داشتن شأن والا، به امور عملی در حد فرصت می‌پرداختند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۲- جایگاه ثروت و نحوه برخورداری از آن در نظر امام رضا(ع)

در اهمیت ثروت و دارایی در علم اقتصاد، همین بس که طبق گفته یکی از اقتصادانان بزرگ، عمده‌ترین تعاریف در علم اقتصاد، دربارهٔ ثروت به لحاظ چگونگی تولید، توزیع و مصرف آن صورت گرفته است(نک: ساموئلسن و نوردهاوس، ۱۳۸۴، ج۱: ۶). از این رو ثروت و مالکیت از مفاهیم اصلی علم اقتصاد است و نحوه نگرش هر مکتب و مسلکی به این مفاهیم، بخش وسیعی از تلقیات اقتصادی آن را در بردارد. بنا برتعالیم اسلامی هر چند انسان با کار و کوشش صاحب درآمد و ثروت می‌شود، در واقع مالک و صاحب واقعی خداست و انسان به صورت موقتی و صوری در مقام مالک و صاحب قرار دارد. طبق فرمایش امام رضا(ع) در حدیثِ «إذ کانَ الله تعالی المالک للنّفوسِ و الأموالِ و سائر الأشیاء، الملک الحقیقیّ و کانَ ما فی أیدی النَاسِ عوارِی»؛ خداوند مالک حقیقی مردمان و اموال و دیگر چیزهاست و آن‌چه در دست مردم است، عاریت است(محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج۱: ۵۵۲). بر این اساس، باید گفت صاحبِ نعمت و ثروت، در این دنیا امانتی در دست دارد که دیر یا زود آن را باید باز پس دهد. اما مطلب به همین جا ختم نمی‌شود بلکه به مانند هر دارنده امانت، صاحب نعمت وظایفی دارد که باید در قبال خداوند نعمت‌بخش ادا کند. امام رضا(ع) در گفتگوی خود با بزنطی به وجود این وظایف اشاره کرده‌اند. امام خطاب به بزنطی می‌فرمایند«دارندهٔ نعمت در آزمون بزرگی است زیرا خداوند حقوق خود را در نعمتی که به او داده واجب ساخته است. به خدا سوگند نعمت‌هایی از خداوند عزوجل نزد من است و من پیوسته از این بابت بیمناکم تا آن‌گاه که حقوقی را که خداوند بر من واجب ساخته است ادا کرده باشم»(کلینی، ۱۳۶۳، ج۳: ۵۰۲). بزنطی بعد از ملاحظه این بیمناکی امام، از ایشان می‌پرسند «فدایت شوم تو با این جلالت از این بیم داری»؟ امام در پاسخ می‌فرمایند: «بلی ستایش می‌کنم پروردگارم را بر آن‌چه که بر من منت نهاده است»(همان‌جا).

با وجود این واقعیات، انسان در تعالیم اسلامی از برخورداری از نعائم الهی برحذر داشته نشده است. بر این اساس، قرآن مجید مسیحیان را به سبب رهبانیت نکوهیده و رهبانیت **ایشان** را در آیه شریفه«وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ...»(حدید/۵۷)؛ ساخته و پرداخته خود آن‌ها دانسته است. در همین راستا قرآن کریم در آیه ۳۲ سورهٔ مبارکه اعراف، منع از نعائم الهی را مذموم دانسته است: «قُلْ مَنْ حَرّمَ زِينَةَ اللّهِ الّتِي أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطّيّباتِ مِنَ الرِّزْقِ؛ بگو ای پیامبر، چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان آفریده حرام کرده و از صرف روزی حلال منع کرده است». بنابراین برخورداری مشروع و تحصیل رزق حلال، نه تنها از نظر قرآن مذموم نیست، بلکه بازدارندگان از آن، مورد عتاب و خطاب نیز هستند. امام رضا(ع) نیز در راستای چنین آموزه‌هایی، در حدیث «اجعَلُوا لِانَفُسِكُم حَظّاً مِنَ الدُّنیا بِإعطائِهَا ما تَشتَهِی مِنَ الحَلالِ مَا لَم تَثلَمِ المُرُوَّةَ: تا آن جا

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

که به مروت‌تان لطمه‌ای وارد نسازد و به اسراف نیانجامد از خواستنی‌های این دنیا بـرای خـود بهـره بگیرد»(نوری، بی‌تا، ج۸: ۲۲۳)، پرهیزهای بی‌دلیل را بی‌محل دانسته و برخورداری از نعائم الهـی را در حدود مشروع خود طبیعی و بهنجار قلمداد کرده‌اند.

بنا بر چنین رویکردی در برخی روایات، به استفاده آن حضرت از فـرش‌هـای پشـمی و مـوئین اشاره شده است(نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۴۹: ۸۹). با وجود این آموزه‌ها، اسلام باز بر میانـه‌روی در برخورداری تأکید بسیار کرده و از عنان گسیختگی در برخورداری و کسب ثروت برحذر داشته است. قرآن کریم در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَتُحَرِّمُواْ طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللّهُ لَكُـمْ وَلاَ تَعْتَـدُواْ إِنَّ اللّـهَ لاَيُحِـبُّ الْمُعْتَدِينَ»(مائده/۵)، ضمن ترغیب مؤمنان به استفاده از نعمت‌هـای حـلال الهـی، آشـکارا از آن‌هـا می‌خواهد حد اعتدال را نگه دارند. قرآن‌کریم در ترویج میانه‌روی نـه تنهـا از پرهیـزهـای بـی‌مـورد برحـذر مـی‌دارد، بلکـه افـراط را نیـز عامـل هـلاک مـی‌دانـد: «وکـم اهلکنـا مـن قریـه بطـرت معیشتها»(قصص/۵۸). در راستای تبیین این گونه پیامدهای ثروت‌انـدوزی، امـام رضـا(ع) درگفتـار خود، به زمینه‌های ثروت‌اندوزی اشاره کرده‌اند تا قبح این امر در اقتصاد اسلامی بیش از پیش نموده شود. برطبق نقل محمد بن‌اسماعیل بن بزیع از امام رضا(ع)، ثروت انباشته نمی‌شود مگـر بـه بخـل شدید، آرزوی طـولانی، حـرص زیـاد و غلبـه کننـده، قطـع رحـم و تـرجیح دادن دنیـا بـر آخـرت (نک: حرعـاملی، ۱۳۸۴، ج۲۱: ۵۶۱). بنـابراین اگرچـه امـام(ع) برخـورداری از نعـائم الهـی را منـع نکرده‌اند اما ثروت‌اندوزی و افراط را نهی فرموده و از آن برحـذر داشـته‌انـد[1]. همچنـین در راسـتای پرهیز از تفریط و رعایت اعتدال، اگرچه لباس‌های ایشان «از جامه‌های زبر و درشت بود، [اما] چون از منزل خود پیش مردم می‌آمد، خود را مزین می‌ساخت»(ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۵۱۷).

۳- نحوهٔ کسب درآمد از نظر امام رضا(ع)

همان‌طور که پیشتر در ذیل عنوانِ«ضرورت کار و کسب درآمد از نظـر امـام رضـا(ع)»، اشـاره شـد، فعالیت‌های اقتصادی در اسلام، نظام‌مند و دارای چارچوب‌های معین است. اسـلام در مقـام مکتـب، برای همه امور فردی و اجتماعی، قواعد و مقرراتی دارد که در این میان، عموم فعالیت‌های اقتصادی از جمله نحوه کسب را هم در برمی‌گیرد. این قواعد و چارچوب‌ها کـه در قالـب مفـاهیمی همچـون حلال و حرام ترسیم شده، دایرهٔ گسترده‌ای دارد. یکی از این چارچوب‌ها، که از خطوط قرمز اسـلام در معامله و تجارت محسوب می‌شود، پدیده ربا است. ربا در لغت به معنـی افزونـی و زیـادی اسـت (نک: انیس و منتصر، ۱۳۶۷: ۳۲۶) و در اصطلاح فقهی نیز معنی آن کـم و بـیش نـاظر بـه همـین

۱. درباره مضرات ثروت اندوزی و نحوه تعدیل آن در اسلام رک. مستقیمی، مهدیه سادات، «تعدیل ثروت در جامعه اسلامی»، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره۱۴، ۱۳۸۰.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

«زیادی» است با این توضیح که در این‌جا ربا به دو نوع معاملی و قرضی تقسیم می‌شود. اگر مبادله دو جنس مشابه با «زیادی» یکی از آن‌ها به شرط مکیل و موزون بودن صورت گیرد ربا در معامله محسوب می‌شود و اگر قرض دادن یک جنس به دیگری با شرط بازپرداخت اضافی همراه باشد ربا در قرض رخ داده است(نک: نجفی، ۱۳۶۵، ج۲۳: ۳۳۴)[۱]. در روزگاری که کسب سود به هر نحوی و به مقدار حداکثر، ملاک بسیاری از معاملات است، در تعالیم اسلامی پدیدهٔ ربا برای سالم‌سازی معاملات و جلوگیری از اجحاف و استثمار تعیین شده است. در قرآن‌کریم و کلام پیشوایان دینِ اسلام، به کرات در تقبیح ربا و پرهیز از آن سخن رفته است، سخنانی که برای نمودن هرچه بیشتر قباحت ربا و ضرورت پرهیز از آن، حتی گاه لحنی تند و هشدارآمیز نیر به خود گرفته‌اند. نظیر لحن آیات شریفه«الّذِینَ یَأْکُلُونَ الرِّبَا لاَ یَقُومُونَ إِلاّ کَمَا یَقُومُ الّذِی یَتَخَبَّطُهُ الشّیْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِکَ بِأَنّهُمْ قَالُواْ إِنّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلّ اللّهُ الْبَیْعَ وَحَرّمَ الرِّبَا فَمَن جَاءهُ مَوْعِظَةٌ مّن رّبّهِ فَانتَهَیَ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَی اللّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُوْلَـئِکَ أَصْحَابُ النّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ(بقره/۲۷۵) یَمْحَقُ اللّهُ الْرِّبَا وَیُرْبِی الصّدَقَاتِ وَاللّهُ لاَ یُحِبّ کُلّ کَفّارٍ أَثِیمٍ»(بقره/۲۷۶)؛ کسانی که ربا می‌خورند، برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده این به خاطر آن است که گفتند داد و ستد هم مانند ربا است در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و خودداری کند، سودهایی که در سابق قبل از نزول حکم تحریم به دست آورده، مال اوست و کار او به خدا واگذار می‌شود اما کسانی که بازگردند اهل آتش‌اند، و همیشه در آن می‌مانند. خداوند، ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد». در راستای هشدارها و تحذیرهای این چنینی نسبت به پدیده شوم ربا، پیامبر اکرم نیز با توصیفی وحشتناک از احوال ربا خواران، قبح این عمل و ضرورت پرهیز از آن را در اقتصاد اسلامی ترسیم کرده است؛ حضرت می‌فرماید: «مَنْ أَکَلَ الرِّبَا مَلَأَ اللّهُ بَطْنَهُ نَاراً بِقَدْرِ مَا أَکَلَ مِنْهُ فَإِنْ کَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَمْ یَقْبَلِ اللّهُ شَیْئاً مِنْ عَمَلِهِ وَ لَمْ یَزَلْ فِی لَعْنَةِ اللّهِ وَ اَلْمَلَائِکَةِ مَا دَامَ عِنْدَهُ مِنْهُ قِیرَاطٌ»؛ کسی که ربا بخورد خداوند شکمش را به مقدار آن چه خورده از آتش پر می‌کند پس اگر از ربا مالی را به دست آورد خداوند عملش را نمی‌پذیرد و همیشه مورد لعن خدا و ملائکه است مادامی که قیراتی از مال ربوی نزدش باشد(محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج۱۳: ۳۳۲). بنا بر این آموزهٔ مفید اسلامی در کسب درآمد و ضرورت هشدار نسبت به پدیده شوم رباخواری، حضرت امام رضا(ع)

---

۱. برای مطالعه بیشتر درباره ربا رک. موحدمنش، صادق‌علی، «بررسی اجمالی ربا از دیدگاه قرآن» پیک نور، سال دوم، شمار دوم، ۱۳۶-۱۴۴. جعفرپور، جمشید، «بررسی ماهیت فقهی ربا»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، شماره۳۴، دورهٔ۹، ویژه نامهٔ الهیات۱، پاییز ۱۳۸۰، ص۱۹۱-۲۰۸. سیدعباس، موسویان، «نظریه‌های ربا و بهره»، اقتصاد اسلامی، شماره ۲۷، دوره۷، پاییز ۱۳۸۶، ص۶۷-۱۰۰.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

نیز برخی مصادیق ربا را تبیین کرده‌اند. امام می‌فرمایند: «المؤمنِ علی أخیه رِباً، إلا أن یشتَرِی منه شیئاً بأکثَرَ من مئه درهمٍ، فَیربح فیه قُوت یومه، او یشتری متاعاً للتجاره فیرَبح علیه رِبحاً خفیفاً»؛ سود گرفتن مؤمن از برادر دینی خویش ربا است، مگر این‌که چیزی را به بیش از صد درهم بخرد، در این صورت، به اندازهٔ خوراک روزانه‌اش سود دریافت می‌کند یا کالایی را برای فروش بخرد، در این صورت سود اندکی از او می‌گیرد(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱۰۳: ۱۰۰). ایشان ضمن ذکر چنین مصادیقی از پدیده ربا، برای تبیین بیشتر این آفت در تجارت اسلامی، دلایل حرمت ربا و پیامدهای ناگوار آن را موشکافانه بیان کرده‌اند: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنّ عَلِیّ بْنَ مُوسَی الرِّضَا علیه السلام وَ عِلّهُ تَحْرِیمِ الرِّبَا بِالنّسِیئَهِ لِعِلّهِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلَفِ الْأَمْوَالِ وَ رَغْبَهِ النّاسِ فِی الرِّبْحِ وَ تَرْکِهِمُ الْقَرْضَ وَ الْقَرْضُ صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِی ذَلِکَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَالِ»؛ علل تحریم ربا این است که خوبی‌ها از میان می‌رود، اموال مردم تلف می‌شود، انسان‌ها به دنبال زیاده‌طلبی در سود و منفعت می‌روند و دلیل آخر این که به سبب رایج شدن ربا، کسی به دیگری قرض نمی‌دهد و موجب فساد و ظلم و ستم در اجتماع می‌شود(حرعاملی، ۱۳۸۴، ج۱۸: ۱۱۷). باز امام(ع) در راستای تبیین هر چه بیشتر پدیده شوم رباخواری و تاکید بیشتر بر قبح آن، ربا را همردیف قتل نفس قرار داده‌اند: «اجتناب الکبائر و هی قتلُ النّفسِ الّتی حرَّم اللهُ تعالی و أکلُ الرّبا بعد البینه و البخس فی المکیالِ و المیزان و الأسراف و التَبذیر و الخیانَه»؛ و از شرایط ایمان است دوری از گناهان کبیره یعنی کشتن انسان که خداوند منع کرده است و رباخواری پس از دلیل و کم دادن و کاستن پیمانه و ترازو و اسراف و... .(ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج۲: ۱۲۱).

علاوه بر تبیین پدیده ربا و ضرورت پرهیز از آن در اقتصاد اسلامی، امام رضا(ع) از پدیده شوم دیگری همگان را برحذر داشته است. این پدیده حرام «غش» است. غشّ به فتح «غ»، به معنای فریب دادن است(نک: مامقانی، ۱۴۲۳ق، ج۱: ۹۱). در فقه اعمالی نظیر نگفتن عیب کالا، مخلوط کردن آن با چیز دیگر، پنهان کردن ماهیت واقعی و کیفیت اصلی آن از مصادیق غش در معامله است. آسیب‌زایی چنین پدیده‌ای هم در روابط انسانی و هم در امور اقتصادی با نگاه مختصر به مصادیق مذکور آشکار است اما میزان زشتی این عمل زمانی بیش از پیش آشکار می شود که امام به نقل از رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «لَیس منّا من غَش مسلماً او ضَرَّه أو ماکَرَه»؛ از ما نیست هرکسی که در کار مسلمانی غَش به کار برد یا به او زیان رساند و یا با او به نیرنگ رفتار کند»(قمی، بی‌تا، ج۲: ۳۱۸). در این راستا قرآن کریم نیز نسبت به کم‌فروشان اخطاری توأم با عتاب و خطاب می‌دهد و می‌فرماید: «وَیْلٌ لِلْمُطَفِّفِینَ»، وای بر کم فروشان! (مطففین/۱). چنین لحن و اخطاری دربارهٔ پدیدهٔ غش در کنار پدیده ربا و امثال آن، علاوه بر بیان زشتی و قبح این پدیدها، حاکی از اهمیت توجه به محرمات در اقتصاد اسلامی و ضرورت تعریف اقتصاد سالم در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

اسلام است، ضرورتی که پیشوایان دین اسلام از جمله حضرت امام رضا(ع) به آن توجه بسیار دارند و به انحای مختلف در پی تبیین و ترسیم ماهیت آن برآمده‌اند.

براساس آن‌چه از محرماتی همچون ربا و غش در آموزه‌های مرتبط با معامله و تجارت در اسلام گفته شد آشکار می‌شود که در اقتصاد اسلامی، سلامت معامله و قرار داشتن آن در چارچوب‌های مقبول، اهمیتی بسزا دارد و عبور از این چارچوب‌ها پیامدهای فردی و اجتماعی ناگواری به همراه دارد. دین اسلام و پیشوایان معززی همچون امام رضا(ع)، بنا بر این تأکیدها و اخطارهای مکرر، نسبت به نوع اقتصادی که تعریف و ترسیم کرده‌اند، خود حساسیت بسیار نشان داده‌اند. تباه ساختن دارایی فرد و جامعه و تجاوز و دست‌اندازی به آن به هیچ وجه در نزد آن‌ها توجیه‌پذیر نیست بلکه این امور با گناهان کبیره‌ای همچون اقدام به قتل نفس همسان شناخته شده است. به فرموده امام رضا(ع) هر گاه شخصی «مال یتیم را بخورد، به کشتن او کمک کرده است؛ زیرا یتیم نه بی‌نیاز است و نه می‌تواند بار زندگیِ خویش را بر دوش کشد و نیز کسی ندارد که امور زندگی او را اداره کند و او را بسنده باشد، چونان پدر و مادر، پس هر که مال او را تباه کرد چنان است که او را کشته و به بینوایی و تهیدستی افکنده است»(ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج۲: ۹۲).

۴ - بایدها و نبایدهای مصرف در سیرهٔ امام رضا(ع)

مقوله مصرف درکنار تولید و توزیع، از مفاهیم اصلی و مقولات مهم علم اقتصاد محسوب می‌شود به طور که هر مکتب و نظام اقتصادی برخی از مباحث نظری خود را به تشریح ابعاد این مقوله اختصاص داده است. مفاهیم شایعی همچون مدیریت مصرف، مصرف‌گرایی، روش‌های ترغیب به خرید و مصرف و... نشان می‌دهد مصرف پدیده‌ای ذوابعاد است که علاوه برحوزه اقتصاد با روانشناسی و دیگر حوزه‌ها نیز مرتبط است. از این رو در دین اسلام و در مفاهیم اقتصادی‌ای که در گفتار و کردار امام رضا دیده می‌شود، به این پدیده نگاه ویژه‌ای شده و ابعاد آن به انحای مختلف تبیین شده است که ذیلاً تشریح می‌شود.

۴-۱- پرهیز از تشبّه جستن به دشمن در الگوی مصرف

همان‌طور که پیشتر اشاره شد در اسلام مالک واقعی خداست و ملک انسان عاریتی محسوب می‌شود، به عبارت دیگر مال و دارایی به منزله «امانت» در نزد انسان است و او صاحب موقتی آن‌هاست. از آن‌جا که هر امانت‌داری وظایفی برعهده دارد که باید ادا کند انسان نیز در برابر اموالی که در اختیار دارد وظایفی دارد که باید ادا کند. می‌توان گفت مصرف صحیح و منطبق با موازین اسلامی، از راه‌های ادای صحیحِ حق نعمت و امانت خداوندی است. براین اساس دربارهٔ نحوهٔ مصرف

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

سفارش‌های بسیاری در دین اسلام شده است[۱]. انفاق، خمس، زکات و پرهیز از اسراف و تبذیر از نمونه‌های بارز این سفارشات است که در منابع متعدد اسلامی به کرات به آن‌ها اشاره شده است. پرهیز از تشبّه به دشمن در الگوی مصرف اسلامی نیز یکی از همان آموزه‌هایی است که انسان صاحب مال به آن سفارش شده است. امام صادق(ع) در این راستا می‌فرمایند: «أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيٍّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِکَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِی وَ لَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِی وَ لَا تُشَاكِلُوا بِمَا شَاكَلَ أَعْدَائِی فَتَكُونُوا أَعْدَائِی كَمَا هُمْ أَعْدَائِی»؛ خداوند به پیامبری از پیامبران وحی فرمود که به قومت بگو لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل آن‌ها ظاهر نشوند که در این صورت، همانند آن‌ها، دشمن من خواهند بود(حرعاملی، ۱۳۸۴، ج۱۱: ۱۱۱). براساس این روایت همواره این امکان وجود دارد که بخش‌هایی از الگوی مصرف، از دیگران از جمله از دشمن اقتباس شود؛ اقتباسی که امروزه بیشتر در قالب تقلید از مدهای خوراک و پوشاک غربی، در جوامع شرقی بسیار رایج و شایع شده و پیامدهی گوناگون فردی و اجتماعی با خود به همراه آورده است. افراد در چنین تقلیدهایی اغلب ناخواسته در پی تشبّه جستن به مراجعی هستند که به لحاظ فرهنگی سنخیتی میان آن‌ها وجود ندارد وای بسا ممکن است چنین مراجعی در نقطه مقابل باورها و اعتقادات شخص مقلد قرار داشته باشند. بر این اساس امام رضا(ع) نیز به مانند امام صادق(ع)، تشبهات این چنینی را به مثابه دشمنی با خود می‌داند و به صراحت از ارتکاب آن نهی می‌کند. ایشان در حدیثی می‌فرمایند: «لباسی مثل لباس دشمنان من نپوشید و خوراک و نوشیدنی‌ای مثل خوراک و نوشیدنی دشمنان من نخورید و نیاشامید و راه و روش شما مانند شیوه دشمنان من نباشد. اگر غیر از این عمل کنید، شما نیز بدانید با من دشمنی کرده‌اید چنان که دشمن من هستند»(ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۳۲). شک نیست که الگوپذیری از بیگانگان در نوع و مقدار کالاهای مصرفی از جنبه اقتصادی «موجب ترویج مصرف کالاهای خارجی و بی‌توجهی به تولیدات و کالاهای داخلی می‌شود که افزون برخارج ساختن سرمایه از کشور، برتولید و اقتصاد ملی نیز ضربه می‌زند»(ایروانی، ۱۳۸۴: ۲۸۷). اما باید توجه کرد که آسیب‌های این نوع الگوپذیری منحصر به امور اقتصادی نیست بلکه «از جنبه اجتماعی و فرهنگی نیز، نوعی تبلیغ عملی و ترویج فرهنگ بیگانه و تهدیدی برای اصالت‌های فرهنگی و حتی دینی در جامعه به شمار می‌رود؛ به ویژه آن‌که الگوپذیری در مصرف، ناخواسته الگوپذیری در اخلاق و رفتار را نیز در پی‌خواهد داشت»(همان‌جا).

---

۱. برای اطلاع بیشتر درباره الگوی مصرف اسلامی رک. سهیلی، کیومرث، «بررسی اصول موضوعه رفتار مصرف کننده در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف»، مجله مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص۹۹-۱۲۴. سیدی‌نیا، سیداکبر، «مصرف و مصرف‌گرایی از منظر اسلام و جامعه شناسی اقتصادی»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۸، ص۱۵۱-۱۷۸.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۴-۲- پرهیز از اسراف

اسراف در لغت به معنی گزاف‌کاری کردن، درگذشتن از حدّ میانه، زیاده روی و اتلاف است و در مقابل تقتیر، اقتار، تقصیر، قصد و اقتصاد به کار می‌رود(نک. دهخدا، ذیل واژه «اسراف»). این مفهوم همان‌طور که راغب در مفردات اشاره کرده است اغلب به هزینه کردن افراطی مال اطلاق می‌شود(نک: راغب اصفهانی، ذیل ماده«سرف»). بنا براین معانی، پرهیز از اسراف، در الگوی مصرفی که از سیره و کلام امام رضا(ع) برمی‌آید، اصلی مهم محسوب می‌شود. امام چنان به جلوگیری از اسراف اهمیت می‌دهد که حتی به نظر ایشان «دورافکندن هسته خرما از جمله کارهای فاسد و نادرست است»(عطاردی، ۱۳۸۸، ج۲: ۳۱۴) و باید «هرکس در منزل خود مشغول غذا خوردن می‌شود اگر مقداری از آن غذا در سفره ریخت باقی مانده آن را برای مصرف در صورتی که آلوده نباشد جمع کند»(حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۶: ۴۹۹). شاید در نگاه نخست این اندازه حساسیت امام در پرهیز دادن از اسراف غیرقابل درک باشد. اما با جستجو در تعالیم دین مبین اسلام، آشکار می‌شود که اسراف و پرهیز از آن، از مقولاتی است که هم در قرآن‌کریم و هم در کلام پیشوایان دینی مفصل و بجد به آن پرداخته شده است. طبق تصریح قرآن‌کریم در آیه ۱۴ سوره انعام، اسرافکاران از دوستی خداوند محروم‌اند. همچنین در آیاتی از سورهٔ مبارکه اسراء، قرآن‌کریم ضمن توصیه به پرداخت حقوق دیگران، با لحنی هشداردهنده اسراف‌کنندگان را برادران شیاطین می‌نامد: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبى حَقَّهُ وَ الْمِسْكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لا تُبَذِّرْ تَبْذِيراً، إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطِينِ وَ كانَ الشَّيطانُ لِرَبِّهِ كَفُوراً»؛و حق نزدیکان را بپرداز و[همچنین] مستمند و وامانده در راه را، و هرگز اسراف و تبذیر مکن؛ چرا که تبذیرکنندگان برادران شیاطینند، و شیطان‌کفران(نعمت‌های) پروردگارش کرد(اسراء/۲۷و۲۶). طبعاً بنا برچنین تقبیحی که قرآن‌کریم از شخص مسرف کرده است، می‌توان برای اسراف از نظر اسلام پیامدهای زیان‌بار فردی و اجتماعی بسیاری تصور کرد. به فرمودهٔ حضرت علی(ع)«اِنَّ مَعَ الاسْرافِ قِلَّه الْبَرَكَةِ»؛ همانا اسراف همراه با کاهش برکت است(کلینی، ۱۳۶۳، ج۴: ۵۵). آشکار است که کاهش برکت موجب ناپایداری و زوال ثروت و دارایی‌های فردی، اجتماعی می‌شود. شاید برهمین اساس باشد که ابن خلدون حکومت‌های دچار اسراف و تبذیر را در معرض فروپاشی می‌داند(نک: ابن‌خلدون، ۱۳۵۹: ۴۲۴ـ۴۴۷).

شاید بتوان گفت ضرورت توجه به تعالیم اسلامی دربارهٔ پرهیز از اسراف، امروزه بیش از همه دوران‌های گذشته باشد. زیرا مصرف‌گرایی در دوران معاصر بیش از پیش در حال غلبه است و مصرفِ به افراط، الگویی است که سیطره خود را روز به روز افزایش می‌دهد به طوری که برخی از بیماریهای رایج در عصر حاضر، نظیر چاقی و امراض مرتبط با آن برآمده از چنین الگوی نادرست اما شایع است. از سوی دیگر همزمان با مصرف‌زدگی در برخی جوامع، فقر و سوء تغذیه در بسیاری از

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

جوامع دیگر رایج است؛ به عبارت دیگر در جهان امروز گرسنگی مفرط و سیری مفرط به صورت گسترده خودنمایی می‌کند. بنابراین در چنین روزگاری توجه به پرهیز از اسراف، که در الگوی مصرف اسلامی عرضه شده است، بسیار مهم و حیاتی است[1]. امام رضا(ع) از سر آگاهی به همین واقعیت اجتماعی و وجود اقشار فقیر در کنار اقشار غنی و برخوردار، خطاب به عده‌ای که میوه نیم‌خورده را به دور می‌انداختند، فرمود: «سبحان‌الله اگر شما از آن بی‌نیازید، هستند کسانی که بدان نیازمندند به آنان بخورانید»(فضل‌الله، ۱۳۶۶: ۵۲). در همین راستا این امامِ متصل به معارف الهی و بینا به واقعیات اجتماعی در روایتی دیگر، می‌فرمایند «إِنَّ اللهَ یَبغِض القیلَ وَ إضاعَةَ المالِ وَ کَثرَةَ السُّؤالِ»؛ به درستی که خداوند، داد و فریاد و تلف کردن مال و پرخواهشی را دشمن می‌دارد»(حرانی، ۱۳۸۲: ۸۰۴). شاید برخی گمان کنند که از طریق به نمایش گذاشتن دارایی و هزینه کردن‌های خارج از تصور برای خوراک، پوشاک، مسکن و دیگر لوازم و ضروریات زندگی، جایگاه و پایگاهی در اجتماع نصیب خود کنند اما طبق آن‌چه از تعالیم دین اسلام و پیشوایان دینی از جمله امام رضا(ع) نقل شد این گروه مغضوب خدایند و آن‌ها باید آگاه باشند اگر هم«این عمل، انسان را در دنیا بلند مرتبه کند، مسلماً در آخرت او را پست و حقیر خواهد کرد» (نهج البلاغه، خطبه۱۲۶).

۴-۳- توجه به قناعت و ساده‌زیستی

طبعاً صحبت از قبح اسراف و ضرورت پرهیز از آن، در تعالیم اسلامی و سیرهٔ امام رضا(ع)، در راستای تأیید قناعت و ساده‌زیستی است. به عبارت دیگر ساده‌زیستی و قناعت پیامد طبیعی پرهیز از اسراف و تجمل است و اگر حکم به اجتناب از اسراف شده است در واقع حکم به ساده‌زیستی و قناعت نیز شده است. قناعت در لغت به معنای خرسندی، رضا به قسمت، بسنده کردن، بسنده‌کاری و راضی شدن به اندک چیز است(نک. دهخدا، ذیل واژه «قناعت»). در اصطلاح علم اخلاق نیز قناعت صفتی است که با ضد خود یعنی حرص و ولع تبیین می‌شود و دارنده این صفت کسی است که به مقدار نیاز و ضرورت بسنده کند و زاید بر آن را نطلبد(نک: نراقی، بی‌تا، ج۲: ۱۰۴).

چنین صفتی در حالات، افعال و گفتار پیشوایان دین اسلام و حیات طیبه ایشان نمود بارز و برجسته‌ای دارد. حضرت علی(ع) قناعت را وسیله عزّت می‌دانند(نک: آمدی، ۱۳۶۶ق: ۳۹۱). به نظر

---

۱. رای مقایسه الگوی مصرف اسلامی با الگوی غربی رک. غلامرضایی، علی اصغر، «مبانی مصرف‌گرایی در دنیای جدید و اصول مصرف در اسلام با تأکید بر رسانه ملی»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال هفدهم، شماره۱(پیاپی۶۱)، بهار ۱۳۸۹، ص۱۱-۳۰.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

ایشان قناعت و ساده زیستی ضامن سلامت دین است و از این رو مؤمن به اندکی که کفایتش کند، بسند می‌کند(همان: ۳۹۳). براساس اهمیت این چنینیِ قناعت و ساده‌زیستی در تعالیم اسلامی، پیشوایان دین اسلام فقط صرفاً توصیه کننده به قناعت نبودند بلکه خود عامل به این امر مهم و موصوف به این صفت نیک نیز بودند.رسول خدا(ص) در ضمن وصف حال خود به ابوذر چنین سفارش نموده است:«ای اباذر! من لباس خشن می‌پوشم، بر زمین می‌نشینم، بر الاغ بدون پالان سوار می‌شوم و کسی را پشت سر خود سوار می‌کنم پس هر که از سنت من گریزان شود از من نیست»(حکیمی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۲: ۲۴۷). بر این اساس است که امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «خدای تعالی بر پیشوایان حق واجب فرموده که خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندِ تنگدست را پریشان و نگران نسازد»(نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹). حضرت امام رضا(ع) نیز در راستای ترویج اخلاق ساده‌زیستی و همنوا با همه پیشوایان دینی، ضمن توصیه به ساده‌زیستی و قناعت، خود نیز عامل به آن بودند. به فرمودۀ آن حضرت «قناعت باعث خویشتن‌داری، ارجمندی و آسوده شدن از زحمت فزون‌خواهی و بندگی در برابر دنیا پرستان است»(ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج۲: ۱۷۸). به گفته ایشان یکی از فواید قناعت، رضایت خدا به عمل اندک بنده است: «من رضی عن الله تعالی بالقلیل من الرزق رضی الله منه بالقلیل من العمل»؛ هرکس به رزق و روزی کم از خدا راضی باشد خداوند از عمل کم او راضی خواهد بود»(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۷۸: ۳۵۷). طبق بیان حضرت، رضایت به روزی اندکِ خدا نه تنها موجب رضایت خدا از عملِ اندک بنده است بلکه باعث سبک‌باری و رضایت خانواده نیز است. طبق فرمایش ایشان «هر که از روزی حلال اندک خشنود باشد، بارش سبک و خانواده‌اش در نعمت باشد»(حرانی، ۱۳۸۳ق: ۴۴۹). براساس چنین رویکردی نسبت به زندگیِ دنیایی و برمبنایِ چنین الگویی از مصرف و هزینه، امام رضا(ع) «در تابستان بر روی حصیر می‌نشست و در زمستان برروی پلاس آرام می‌یافت و لباس‌های او از جامه‌های زبر و درشت بود»(ابن بابویه، همان، ج۵: ۵۱۷) و به گفته اباصلت هروی، حضرت «غذایی ساده و خوراکی اندک داشت»(همان، ج۲: ۱۳۶).

۴-۴- میانه‌روی در معیشت

یکی از ویژگی‌های بارز الگوی معیشت اسلامی چه در کسب مال و چه در مصرف آن، که در کلام امام رضا(ع) نمود برجسته‌ای دارد، پرهیز از افراط و تفریط است. این امر چنان در نظر امام اهمیت دارد که از نشانه‌های کامل بودن ایمان محسوب شده است. به فرمودۀ ایشان «حقیقت ایمان انسان کامل نمی‌شود مگر این که سه صفت در او وجود داشته باشد اول دانش دین بیاموزد، دوم در معیشت اندازه را نیکو نگهدارد و سوم بربلاها و گرفتاری‌ها صبر و شکیبایی کند» (فضل‌الله، ۱۳۷۷: ۶۵). از این کلام گوهربار آشکار می‌شود که مقام و ارج اعتدال در معیشت، به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

اندازهٔ دو موضوع دیگر یعنی صبر و آموختن دانش دین است. همگان می‌دانند که رسیدن بـه مقـام صبر و نیل به مرتبهٔ عالمی در دین، چه اندازه مشقت‌بار است و در نزد خداونـد چـه ارجـی دارد. بـا وجود این، امام اعتدال در معیشت را همه پایـه آن‌هـا قـرار داده و از ایـن طریـق اهمیـت آن را بـه نیکویی نموده است.

به فرموده حضرت میانه‌روی در هر حالتی لازم است:«عَلَیْکُمْ بِالْقَصْدِ فِی الْغِنَی وَ الْفَقْـرِ»؛ برشـما باد میانه روی به هنگام دارایی و نداری»(حکیمی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۷: ۷۸). برطبق چنین اصـلی، در کسب مال و تحصیل درآمد نیز امام از سودجویی و حریصی برحـذر داشـته، اعتـدال را سـرلوحه تجارت و کسب قرار داده است. ایشان می‌فرمایند شخص «به اندازه گذران زندگی سـود ببـرد یـا در مورد مال تجاری سود اندک داشته باشد و افزایش ناموزون در معـاملات تجـاری نباشـد»(مجلسـی، ۱۴۰۳، ج۱۰۰: ۱۰۳). شکی نیست که سودجویی و حرص برای کسب درآمدِ بیشتر، یکـی از آفـات مهلک و از زمینه‌های ایجاد ثروت‌های نامشرع است؛ ثروت‌هایی که خود منشأ بسیاری از آسیب‌هـا و انحرافات فردی و اجتماعی است. از این رو میانه روی و پرهیز از افراط در آن، امری حیـاتی و مهـم است.

علاوه بر اهمیت میانه‌روی در کسب درآمد، که امام اهمیت آن را از طریق قـرار دادن در ردیـف مقام صبر و آموختن دانش دین بیان فرموده‌اند، ایشان به اهمیت رعایت اعتدال در مصرف و هزینـه نیز اشاره کرده است. این اشاره در جواب امام به شخصـی کـه از ایشـان دربـاره روش هزینـه‌کـردن کسب تکلیف کرده، به وضوح تبیین شده است. امام می‌فرماید «به گونه‌ای باشد که بین دو مکـروه، سخت‌گیری و اسراف قرار گیرد. [آن شخص پرسید ای فرزند پیامبر خدا] منظورتـان از ایـن سـخن چیست؟ فرمود: آیا سخن خدا را در قرآن نشنیده‌ای که اسراف و سخت‌گیری را ناپسند می‌شـمارد و می‌فرماید: «و الذین اذا انفقوا لم تسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما»؛ و کسـانی‌انـد کـه چـون انفاق کنند نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو حد، حد وسط را برمـی‌گزیننـد، بنابراین در مورد معاش و هزینه زندگی خـانواده، میانـه رو بـاش»(ابـن بابویـه، ۱۳۶۲، ج۱: ۵۴). از آن‌جا که یکی از عمده‌ترین محل‌های صرف درآمد، خانواده است حضرت با عنایت به این محـل، در جـای دیگـر فرمـوده‌انـد: «نسـبت بـه مصـارف مـالی دربـارهٔ خـود و عائلـه‌ات معتـدل و میانـه‌رو باش»(عطاردی، ۱۳۸۸، ج۲: ۲۸۵). بنابراین آشکار می‌شود که مدیریت هزینه و نحوه صـرف درآمـد در تعالیم اسلامی اهمیت بسیار دارد.

از سر همین اهمیت است که در منابع مختلف اسلامی این موضوع محـل بحـث و اشـاره شـده است. حضرت علی(ع) در حدیث«اَلْقَصْدُ مَثْرَاةٌ، وَ السَّرَفُ مَثْـوَاةٌ»؛ میانـه‌روی در مصـرف را از اسـباب ازدیاد دارایی و افراط در آن را موجب هلاک می‌داند(کلینی، ۱۳۶۳، ج۷: ۳۳۹). در راسـتای نمـودن

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

هر چه بیشتر اهمیت میانه‌روی در مصرف، امام صادق(ع) نیز وقتی آیه «آنان که چون انفاق می‌کنند زیاده روی نمی‌کنند و بخل هم نمی‌ورزند و میان این دو، حدّ وسط را نگه می‌دارند»(فرقان/۶۷)، را خواند، برای تفهیم بهتر مطلب، مشتی سنگریزه برداشت و آن را در مشتش نگه داشت و فرمود «این همان سختیگری و خسّتی است که خداوند عزّوجلّ در کتاب خود فرموده است»، آن گاه مشتی دیگر برداشت و همه آن‌ها را ریخت و فرمود: «این اسراف است»، سپس مشتی دیگر برداشت و قسمتی از آن را ریخت و مقداری را نگه داشت و فرمود «این حدّ وسط است»(کلینی، همان: ۳۴۵).

۵- محل‌های صرف درآمد از دیدگاه امام رضا(ع)

بی‌شک عدم تشخیص اولویت‌ها در صرف درآمد از مهم‌ترین عوامل اتلاف سرمایه است. به واقع می‌توان گفت فعالیت‌های اقتصادی و تلاش برای کسب روزی، بدون تشخیص محل‌های صحیح صرف درآمد، آسیب‌های فردی و اجتماعی بسیاری را در پی می‌آورد. پرهیزها و گشاده‌دستی‌های نابجا و بی‌محل، هر دو عواقب وخیمی چون فقر و ناداری را می‌تواند در پی داشته باشد که خود سرمنشأ بسیاری از ناهنجاری‌هاست. از این رو در مقوله مصرف، مدیریت و نحوهٔ هزینه کردن اهمیت بسیار دارد به طوری که به دلیل همین اهمیت، «مدیریت مصرف» امروزه از مفاهیم رایج در فرهنگ عمومی شده است.

از آن‌جا که در تعالیم اسلام به همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی توجه بسیار شده، به پدیده‌های اقتصادی نظیر مصرف نیز عنایت ویژه‌ای شده است. مواردی از این عنایت را پیشتر با عناوینی مثل«پرهیز از تشبّه جستن به دشمن در الگوی مصرف»، «پرهیز از اسراف»، «توجه به قناعت و ساده‌زیستی» و «میانه‌روی در معیشت» توضیح دادیم. طبعاً با وجود چنین توجهاتی به مقولهٔ مصرف در دین اسلام، مدیریت مصرف و تعیین محل‌های صحیح مصرف و هزینه کردن درآمد نیز در این دین مبین و سیرهٔ پیشوایان آن نمی‌تواند دور از نظر باشد. از این رو امام رضا(ع) در سیره خود در راستای تبیین مدیریت مصرف، خانواده، انفاق و مالیات‌های اسلامی (خمس و زکات) را به عنوان سه محل صحیح و دارای اولویت در مصرف درآمد تعیین فرموده‌اند که ذیلاً به تفصیل جایگاه این سه محل و ضرورت صرف درآمد برای آن‌ها در تعالیم اسلامی و سیره امام رضا(ع) تشریح می‌شود.

۵-۱- خانواده و عیال

در دین مبین اسلام به تشکیل و حفظ خانواده بسیار سفارش شده است به طوری که به فرمایش رسول اکرم(ص) «خَیْرُکُمْ خَیْرُکُمْ لِاَهْلِهِ و أنا خَیْرُکُمْ لِاَهلی»؛ یعنی بهترین شما کسی است که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

بهترین برای خانواده‌اش باشد و من برای خانواده‌ام بهترین هستم(حر عاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۴: ۲۲۱). در همین راستا به فرموده حضرت رسول، بودن در کنار خانواده و اهمیت دادن به این کانون مهم در نزد خدای متعال اهمیتی فراتر از اعتکاف دارد. آن حضرت می‌فرمایند: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيالِهِ اَحَبِّ اِلَی اللّهِ تَعالی مِن اِعْتِکافٍ فِی مَسْجِدی هذا»؛ نشستن مرد در کنار خانواده‌اش، نزد خدای بزرگ دوست داشتنی‌تر از اعتکاف در مسجد من است(ورام، ۱۳۷۸، ج۲: ۱۲۲).

با این اهمیتی که اسلام به خانواده داده است، طبعاً فراهم کردن رفاه و تأمین معاش آن را نادیده نمی‌گیرد. در کلام پیشوایان دینی و به ویژه در کلمات امام رضا(ع)، نمونه‌هایی از این توصیه‌ها بسیار است. به فرموده آن حضرت «آن کس که از نعمت مالی برخوردار است باید اسباب رفاه خانواده خود را بیشتر فراهم کند»(ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۱۱). آن‌گونه که از لحن این فرمودهٔ امام برمی‌آید، مرد دارا ملزم به تأمین رفاه خانواده است. این امر در نظر حضرت چنان مهم بوده است که در روایتی دیگر، باز به برآورد آسایش خانواده و پرهیز از سخت‌گیری توصیه کرده‌اند. به فرموده امام «سزاوار است مرد غنی و متمکن زندگی خانواده خود را توسعه دهد و آنان را از رفاه و آسایش کافی برخوردار کند تا آنان به علت سخت‌گیری او و محرومیت خودشان، تمنای مرگ وی ننمایند»(کتابچی، ۱۳۷۹: ۱۵۴). امام بنا بر چنین رویکردی و براساس این فرمایش حضرت رسول که «لَیْسَ مِنّا مَنْ وُسِّعَ عَلَیْهِ ثُمَّ قَتَّرَ عَلی عِیالِهِ»؛ از ما نیست کسی که وسعت زندگی بر او داده شود و او بر خانواده‌اش سخت بگیرد(محدث‌نوری، ۱۴۰۸ق، ج۱۵: ۲۵۶)، خود راساً به تأمین معاش خانواده توجه می‌کردند.

۵-۲- بخشش و دستگیری از نیازمندان

در دین اسلام به انفاق در راه خدا و دستگیری از نیازمند مکرر سفارش شده است. هم در قرآن کریم و هم در روایات منقول از حضرت رسول(ص) و ائمه اطهار(ع)، یاری و دادرسی به صورت گسترده مطرح شده است. این مطرح شدن گاه در توصیف ارجمندی مقام انفاق و ضرورت اقدام به آن است گاه نیز در ذکر فواید آن. طبق فرمایش قرآن کریم، انفاق صفت پرهیزکاران و متقیان است. بر طبق آیهٔ ۳ سورهٔ مبارکهٔ بقره «[پرهیزکاران] کسانی هستند که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند». حضرت رسول نیز در توصیف ارجمندی سخا و بخشش می‌فرمایند: «السخاء خلق الله الاعظم»، سخاوت، اخلاق بزرگ‌الهی است(نک: متقی، ۱۴۲۶ق، ج۶: ۳۳۷). بنا بر چنین اوصافی از سخا و بخشش، طبق گفته ابن ابی الحدید، علی بن‌موسی(ع) «با سخاوت‌ترین و بزرگوارترین مردم از جهت اخلاق و رفتارهای انسانی بود»(عزیزی،۱۳۸۱، ص۱۴). به فرمودهٔ این امام همام «احسان، اطعام مردم، دادرسی از ستم دیدگان و رسیدگی به حاجتمندان از بالاترین صفات پسندیده است»(حکیمی،۱۳۹۰: ۱۷). بر این

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

اساس، طبعاً به نظر امام «بدترین مردم[نیز] کسی است کـه از عطـا و بخشـش دریـغ ورزد و تنهـا بخورد»(کلینی، ۱۳۶۳، ج۲: ۴۵).

برطبق سیرهٔ مرسوم امام هشتم(ع)، ایشان به هر چیزی که دیگران را سفارش کرده‌اند، خود نیز در مقام عمل عامل به آن سفارش بوده‌اند و فقط به وعظ و پنـد بسـند نکـرده‌انـد. بـرهمین اسـاس دربارهٔ دستگیری از دیگران نیز، امام علاوه برنظر، در عمل نیز از حاجتمندان دستگیری کرده‌اند. بـه نقل از ابراهیم بن عباس«آن بزرگمرد بسیار به مردم احسان می‌کرد و به آن‌ها انفاق مـالی مخفیانـه می‌نمود و غالباً این کمک‌های مالی را در شب‌های تاریک انجام می‌داد. پس کسی که گمان می‌کنـد در بزرگواری، کسی را همانند امام رضا دیده است او را تصدیق نکنیـد»(قمـی، ۱۳۷۲: ۳۳۳). خـود حضرت در ذکر شمه‌ای از اقدامات عملی خود می‌فرمایند: «هنگامی که در مدینه بودم و در کوچه و خیابان رفت و آمد می‌کردم به مردم مدینه و دیگران که از من درخواست کمک مـالی مـی‌نمودنـد، کمک می‌کردم، آنان بر اثر این کار همانند عموزادگانم می‌شدند»(دخیل، ۱۴۰۲ق، ج۲: ۸۸).

همان‌طور که از این روایت امام(ع) بر می‌آید، دستگیری از دیگران و انفاق نسبت به آن‌ها، فواید گوناگونی از جمله ایجاد صمیمیت و پیوندهای عاطفی به همراه دارد. اما بالاترین این فوایـد اجـرای فرمان‌های الهی درباره یاری بینوایان است. خداوند بارها در آیات گونـاگون بـه ایـن امـر سـفارش و تأکیـد نمـوده اسـت. در یکـی از آن سـفارش‌هـا از زبـان امـام رضـا(ع) چنـین نقـل شـده اسـت: «خداوند توانمندان را مکلف کرده اسـت تـا بـرای امـور بیمـاران زمینگیـر و دیگـر مبتلایـان قیـام کنند»(ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج۲: ۸۹). طبعاً خدای تعالی از آن‌جا که هیچ‌کـاری از کارهـای مؤمنـان را بی‌اجر و ثواب نمی‌گذارد، به خیراندیشی و انفاق آن‌ها نیز ثواب و پـاداش عطـا خواهـد فرمـود. امـام رضا(ع) با ایمان راسخی که به چنین وعده‌ها و عطایای خداوند دارند، «در یک روز، تمام اموال خـود را بین مردم تقسیم کرد. فضل بن‌سهل به آن حضرت عرض کرد این به درستی، غرامـت و خسـارت است. امام فرمودند هو المغتنم، لاتعدن مغرما ما اتبعت به اجرا و کرما، بلکه این غنیمت و دسـتاورد بدون زحمـت اسـت آن‌چـه را کـه در مقـابلش، پـاداش و بزرگـواری بـه دسـت مـی‌آوری خسـارت نشمار»(ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج۴: ۳۱۶) براساس چنین‌باوری است کـه ایشـان در حـدیثی دیگـر می‌فرمایند: «به کودک دستور بده که با دست خودش، گرچه به اندازه تکـه نـانی یـا یـک مشـت از چیزی صدقه بدهد؛ زیرا هر چیزی که در راه خدا داده شود اگر با نیت پاک باشد هر چند کم باشـد بسیار زیاد است»(کلینی، ۱۳۶۳، ج۴: ۴).

احادیث منقول از این امام همام درباره فواید گشاده‌دستی و دستگیری از مسـتمندان، متعـدد و بسیار است که خود حاکی از اهمیت انفاق در نظر ایشان است. به فرموده حضرت«السخاء شجره فی الجنه أغصانها فی الدنیا، من تعلق بغصنٍ مِن أغصانها دخل الجنه»؛ سخاوت درختی است در بهشت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

که شاخه‌های آن در دنیاست و هرکس بـه شـاخه‌ای از شـاخه‌هـای آن چنـگ زنـد بـه بهشـت در می‌آید»(ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج۱: ۶۶۸). به بیـان امـام انسـان بـا احسـان و بخشـش خـود را شـریک نعمتهای خدا قرار می‌دهد(همان، ج۲: ۳۱۴). اهمیـت یـاری بـه نیازمنـدان و رسـیدگی بـه احـوال دردمندان در نظر امام چنان است که به فرموده ایشان«هر کس انـدوه و مشـکلی را از مـؤمنی بـر طرف نماید، خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش بر طرف می‌سازد»(کلینی، ۱۳۶۳، ج۴: ۲۶۸).

در این راستا حضرت می‌کوشید ناتوانان را از اندوه بدهکاری برهاند(نک: ابن‌بابویـه، ۱۳۸۰، ج۲: ۳۱۴). در واقع یکی از مصادیق اقدامات عملی امام در دستگیری از نیازمندان، ادای قرض آن‌ها بـود. به نقل از کتاب التجاره حر عاملی، حضرت «بدهی بدهکاران را ضمانت می‌کرد تا طلبکـاران نتواننـد بر آنان سخت گیرند»(حرعاملی، ۱۳۸۴، ج۹: ۸۰).

برطبق آن‌چه از بخشش و دستگیری از نیازمندان، در تعالیم اسلامی و سیرهٔ امام رضـا(ع) ذکـر شد، فواید بسیاری برای این عمل می‌توان برشمرد. اصرار و اقدام حضرت به این عمـل قطعـاً حـاوی فواید فردی و اجتماعی بسیار است. امام با ذکر انفاق بـه عنـوان یکـی از محـل‌هـای صـحیح صـرف درآمد، در واقع با فقر و نابرابری به مبارزه برخاسته‌اند. شک نیست اگر دسـتگیری از مسـتمندان آن طور که باید و شاید مورد توجه احاد جامعه قرار گیـرد بسـیاری از نـابرابری‌هـای آسـیب‌زا از میـان خواهد رفت. مشاهده نابرابری و علم به وجود تبعیض در برخورداری از نعائم خدادادی، دل هر مؤمن و انسان آزاده‌ای را می‌آزارد. وجود اقشار بی‌بضاعت از یک‌سو و قشر متمول و برخوردار از سوی دیگر سیمایی ناخوایند و تأسف‌باری به هر جامعه می‌بخشد. آشکار است چنـین سـیمایی بـه هـیچ وجـه شایسته یک جامعه اسلامی نیست. بنابراین راه جلوگیری از پیدایش چنین سیمایی را امام رضا علیه السلام با سفارش و اقدام به انفاق، از سر واقع‌بینی و دلسوزی تبیین کرده‌اند. بنابراین برای محو فقـر و تبعات بسیار آن، که همه احاد جامعه از فقیر و غنی را در معرض خطر قرار می‌دهد، باید با صـرف بخشی از درآمد برای مستمندان از این آسیب‌ها پیشگیری کرد و جامعه‌ای در خور نام اسلام ایجـاد کرد.

۵-۳- پرداخت خمس و زکات

همان‌طور که پیشتر در ذیل عنوان «جایگاه ثروت و نحوه برخورداری از آن در نظر امام رضـا(ع)»، از قول حضرت، در گفتگوی با بزنطی، ذکر شد که خداوند برعهدهٔ صاحبِ نعمت، وظـایفی معـین قـرار داده است که باید نسبت به ادای صحیح هر یک از آن‌ها اقدام کند. مهم‌ترین ایـن وظـایف پرداخـت بخشی از درآمد و دارایی برای کمک به نیازمندان است که در صفحات قبـل از آن سـخن بـه میـان آمد. در تشریح این مطلب می‌توان گفت طبق آموزه‌های دینی بخشی از این انفاق‌ها، در قالـب‌هـایی نظیر خمس و زکات ماهیت وجـوبی دارنـد و اهمیـت توجـه بـه آن‌هـا چنـان اسـت کـه سـرپیچی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

کنندگانش، طبق نقل امام رضا(ع) از پیامبر در حدیثِ «اول من یدخل النار امیر متسلط لم یعدل و ذو ثروة من المال لم یعط المال حقه»(ابن‌بابویه، ۱۳۸۰، ج۲: ۲۸ و عطاردی ۱۳۸۸، ج۱: ۲۸۱)، جزء اولین وارد شوندگان به آتش دوزخ هستند. در واقع در آموزه‌های دین مبین اسلام، خمس و زکات، از اصلی‌ترین راه‌هایی است که صاحبانِ نعمت از طریق آن‌ها، حق دولتمندی خود را نسبت به جامعه اسلامی خود ادا می‌کنند. زکات در فقه اسلامی، عبارت است از حقّ واجبی که طبق آن بخشی از اموال برخی افراد غنی و ثروت‌مند جامعه، به نفع فقرا برای صرف در مصالح عمومی پرداخت می‌شود(نک: مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۸۰-۲۸۱). قران کریم بارها زکات و پرداخت آن را بیان کرده است و برای نشان دادن اهمیت این فریضه، آن را در آیاتی نظیر آیهٔ «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»(حج/۴۱) و آیهٔ «رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ» (نور/۳۷)، به همراه نماز ذکرکرده است. وجوب زکات از ضروریات دین اسلام و مورد اتفاق همه مسلمانان است به نحوی که انکار این وجوب موجب ارتداد دانسته شده است(نجفی، ۱۳۸۸، ج۱۵: ۱۵). خمس نیز در بیان قرآن جزء انفاقات واجب است که در آیهٔ «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبى وَالْيَتامى وَالْمَساكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ ما أَنْزَلْنا عَلى عَبْدِنا يَوْمَ الْفُرْقانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»(انفال/ ۴۱)، لزوم پرداخت و موارد مصرف آن تعیین شده است. میزان این انفاقِ واجب، یک پنجم اموال است که باید از درآمد و مازاد بر مخارج شخص، با شروط خاصی که در فقه بیان شده، پرداخت شود و آن حقّی است که خداوند برای پیامبر اکرم(ص) و امام معصوم(ع) قرار داده تا آن حضرات و مستمندان خاندانشان، نیازمندی‌های خود را با آن تأمین کنند.

در راستای اهمیت توجه به این دیونِ شرعی در اسلام، حضرت امام رضا(ع) نیز به انحای مختلف به وجوب و ضرورت پرداخت زکات و خمس تأکید کرده‌اند. ایشان برای نمودن اهمیت زکات، همسو با تعالیم قرآنی، برآنند که «مَن صَلّی وَ لَم یُزَکِّ تُقبَل صَلوتُهُ»؛ هر کس نماز بخواند ولی زکات و مالیات اسلامی نپردازد، نمازش قبول نمی‌شود(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۹۶: ۱۲). در همین راستا حضرت برای نمودن عینی‌تر عواقب عدم پرداخت زکات، در حدیثِ «إذا حُسِبَتِ الزَّكاةَ ماتَتِ المُواشی»؛ بی‌توجهی به زکات را موجب هلاک دام‌ها دانسته‌اند(همان، ج۷۳: ۳۷۳). به عبارت دیگر طبق این احادیث شرط پذیرش نماز و بقای دارایی، پرداخت بخشی از ثروت و درآمد در قالب زکات است. در واقع ترسیم جایگاه این چنینی برای زکات، ناظر به کارکردهایی‌های مهم این فریضه است که در کلام امام رضا(ع) این گونه متبلور شده است: «ان علة الزکاة من اجل قوت الفقراء ... کما قال عزوجل لنبلونکم فی اموالکم و انفسکم فی اموالکم اخراج الزکاة... مع ما فی ذلک من اداء شکر نعم الله عزوجل... مع ما فیه من الزیاده و الرافة و الرحمة لاهل الضعف و العطف علی اهل المسکنة، و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

الحث لهم علی المساواة وتقویة الفقراء و المعونة لهم علی امر الدین...»؛ زکات، برای تـأمین بینوایـان وضع شد، چنان که خدای بزرگ فرموده است: شما را در امـوال و جـان‌هایتـان امتحـان مـی‌کنـیم. (امتحان) در اموال پرداخت زکات است... با دیگر فوایدی که در این سنت نهفته است چون افـزایش دارایی و عطوفت و مهربانی در حق ناتوانان، و توجه به حال بینوایان، و انگیزش مردمان بـه مسـاوات و تقویـت فقـرا و یـاری رسـاندن بـه آن‌هـا در انجـام دادن تکـالیف دینـی اسـت...» (ابن‌بابویه، ۱۳۸۰، ج۲: ۸۹). می‌توان گفت در این حدیث حضرت با توسل به معارف قرآنی، پرداخت زکات را از یک سو محملی برای آزمایش ایمان مؤمنان و از سوی دیگـر آن را متضـمن کارکردهـای اجتماعی نظیر رفع فقر و نابرابری دانسته است. آن‌چه در این میان در بیان امام بسیار در خور توجه است برجستگی نقش فقر در ایجاد بی‌توجهی به انجام تکالیف دینی است. به عبارت دیگـر در بیـان حضرت، به صورت ضمنی، فقر زمینه‌دوری از خدا دانسته شده است که با پرداخت زکات این زمینـه زدوده می‌شود. آشکار است که قرار گرفتن در تنگنای فقر و دوری از خـدا اسـباب نابهنجـاری‌هـای بسیاری در جامعه است که هر یک می‌تواند دامنگیر همه اعضای آن شود از این رو طبق تعلیم امـام پرداخت زکات به نوعی تأمین بستر رشد و شکوفایی برای خود و دیگران، از طریق رفع فقر و ناداری سایر اعضای جامعه است.

به مانند امر زکات که حضرت امام رضا(ع)، ابعاد آن را به انحای مختلف بحث و بررسی کرده‌اند، خمس نیز در کلام حضرت بسیار مورد توجه بوده است و ایشان برای ادای ایـن فریضـه، بـه عنـوان سهم امام و بینوایان تأکید بسیار کرده‌انـد. از جملـه حضـرت در جـواب گروهـی از خراسـانیان کـه خواستار معاف شدن از پرداخت خمس بوده‌اند، فرموده است: «این چه حیله و نیرنگی است از شما؟ شما با زبان خود نسبت به ما اظهار دوستی و محبت می‌کنید؛ اما از طرف دیگر حقی را که خداونـد برای ما مقرر نموده و بر شما واجب کرده است تا آن را بپردازید، از ما دریغ می‌کنیـد!؟ خیـر؛ هرگـز چنین‌کاری را نمی‌کنم و شما را از دادن خمس معاف نمی‌دارم»(غفـاری، ۱۳۹۵: ۲۹۸). طبـق ایـن حدیث، اولاً حضرت، اظهار تولا، بدون ادای دین را امری فریبکارانه مـی‌دانـد، ثانیـاً تـرک خمـس را ترک امر واجبی می‌داند که وجوب آن از سوی خداست. ثالثاً ایشان خمـس را حقـی از حقـوق امـام معرفی می‌کند که باید پرداخت شود. در راستای ترسیم هـر بیشـتر ماهیـت و کارکردهـای خمـس پاسخ حضرت امام رضا(ع) به برخی شیعیان نیـز بسـیار در خـور توجـه اسـت طبـق بیـان حضـرت «...همانا خمس پشتوانهٔ و یاری‌دهندهٔ ما جهت تقویت دین ما و ادارهٔ امـور زنـدگی مـا و کمـک بـه دوستان ماست و همچنین با آن آبروی خود را از کسانی که از قدرتشان بیم داریم حفظ مـی‌کنـیم، بنابراین آن را از ما دریغ مورزید و در حد توان، خود را از دعای ما محـروم نسـازید. همانـا پرداختِ خمس کلید رزق شماست و شما را از گناهان پاک می‌گرداند. خمس ذخیـرهٔ شـما بـرای روز فقـر و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

ناتوانی شما (در قیامت) است. مسلمان کسی است که به عهد و پیمان الهی وفادار بمانـد و مسـلمان نیست آن کس که با زبان پاسخ گوید و با دل مخالفت ورزد»(کلینـی، ۱۳۶۳ق، ج۱: ۵۴۷). در ایـن حدیث نیز حضرت علاوه بر بیان مجدد مواردی که در حدیث پیشین ذکر شـد، پرداخـت خمـس را عامل رزق و پاکی از گناهان نیز معرفی کرده‌اند. به عبارت دیگر به مانند آنچه حضرت دربـاره نقـش زکات در برقراری روزی فرمودند، خمس نیز در کلام ایشان عامل جریـان رزق دانسـته شـده اسـت. همچنین طبق این حدیث حضرت موارد مصرف خمس و تعلق آن به امـام و نزدیکـان وی را تأکیـد کرده‌اند. به عبارت دیگر با پرداخت خمس دست امام و حاکم اسلامی در ادارهٔ امـور خـود و جامعـه گشوده می‌شود و بدین طریق، راه برای اعتلای فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی هموار می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

نتیجه‌گیری

نظامی اقتصادی‌ای که امام رضا(ع) در گفتار و رفتار خود آن را ابراز می‌کند ضمن این که برخورداری از نعائم و ثروت را با بیانِ ضروتِ کار اقتصادی تشویق و تأیید می‌کند، در پی آن است تا با انفاق و دستگیری از نیازمندان، از انباشت ثروت که موجب فساد و ایجاد تبعیض در جامعه است جلوگیری کند. حضرت با ذکر ضرورت هزینه برای خانواده و گشاده‌دستی در برابر عیال و همچنین بیان وجوب صرف مال برای بینوایان و مستمندان، به نحوی شایسته محل مصرف دارایی و درآمدها را تعیین می‌فرماید، طبعاً انفاق به نیازمندان از پیدایش فقر و تبعیضات اقتصادی که منشأ بسیاری از ناهنجاری‌ها و معاصی است جلوگیری می‌کند، تأمین بهینه معاش عیال نیز به استحکام یکی از مقدس‌ترین کانون‌ها، یعنی کانون خانواده می‌انجامد. کانونی که امروزه بیش از همهٔ دوران‌ها در معرض آسیب است. در واقع هر آسیبی که به خانواده برسد جامعه را از درون دچار مشکلات خواهد کرد و احاد جامعه با نبود شرایط رشد در درون خانواده موجب ناهنجاری‌ها و پیامدهای نامطلوب اجتماعی خواهند شد. در راستای عرضه یک الگوی مصرف بهینه امام با سفارش به صرفه‌جویی، اعتدال در مصرف و ساده زیستی نظامی را ترسیم می‌کند که به شکلی بارز نه تنها مانع از غرق شدن در امور دنیایی و مفاسد ناشی از ثروتمندی است، بلکه زمینه‌ساز شکوفایی اقتصادی اجتماع نیز است. شک نیست کمال فرد و رشدِ معنوی انسان، تا رسیدن به قرب الهی از اهداف دین مبین اسلام است. از سوی دیگر از آن‌جا که انسان مستعد عصیان و سرکشی است و ثروت و دارایی یکی از اسباب اصلی تمرد انسان در برابر فرامین خداست، امام رضا(ع)، با طرح الگوی مصرفی که در هر نظام اقتصادی‌ای به نحوی طرح شده، نسبت به برآورد اهداف متعالی دین مبین اسلام در زمینه کمال فردی و اجتماعی اقدام کرده است. در این راستا ایشان نسبت به اسراف و تبذیر با لحنی صریح هشدار داده و مسرفین را با بدترین صفات و بدترین عذاب ها روبرو ساخته است، از سوی دیگر با سفارش به میانه روی و ساده زیستی از عواقب ثروت اندوزی، اسراف و زیاده‌روی در مصرف برحذر داشته است. طبعاً با چنین رهنمودهایی که الگوی مصرف اسلامی از زبان امام رضا(ع) عرضه کرده است، نه تنها فرد، بلکه جامعه نیز به سوی کمال مطلوب خود حرکت خواهد کرد. ساده زیستی و پرهیز از اسراف هر جامعه‌ای را به سودی استقلال و تعامل قدرتمندانه با جوامع دیگر می‌رساند، امری که لازم است هر جامعه اسلامی آن را همواره سرلوحه سیاست‌های خود قرار دهد زیرا اسلام راه تسلط بیگانگان بر جامعه اسلامی را در قاعده نفی سبیل مسدود ساخته و از آن برحذر داشته است. قناعت، مدیریت مصرف و هزینهٔ بجا، قطعاً زمینه‌ساز خودبسندگی است و عمل برخلاف این مفاهیم نه تنها به استقلال و سربلندی جامعه اسلامی در محافل بین‌المللی آسیب می‌رساند، در داخل جامعه نیز منشأ ناهنجاری‌های بسیار و آسیب‌های جبران‌ناپذیر می‌شود. هم فرد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

و جامعه، امـروزه در عصـر دهکـده جهـانی و انقـلاب ارتباطـات، بسـیار بـیش از پـیش در معـرض تأثیرپذیری از الگوهای تولید و مصرف در سایر جوامع قرار دارد شک نیست که نمی‌توان گفت همـه این الگوها مضر و مهلک است اما باید توجه کرد اکثر رسانه‌هـا در خـدمت تبلیـغ و معرفـی الگـویی هستند که مصرف بیشتر را سرلوحه خود قرار داده است؛ الگویی که با توسل به شیوه‌های پیچیـده و جذاب تبلیغی بسیار پر هیاهو و سلطه جوست و هر غفلتـی در برابـر آن عواقـب فـردی و اجتمـاعی بسیاری می تواند در پی داشته باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

منابع

قران کریم

نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد بن‌محمد، (۱۳۶۶ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
۲. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، (۱۳۸۰). عیون اخبارالرضا. ۲جلد، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. (۱۳۶۲). الخصال. با تصحیح و تعلیقات علی‌اکبر غفاری، قم: مرکز انتشارات اسلامیه
۴. ابن‌خلدون، عبدالرحمن،(۱۳۵۹). مقدّمه ابن‌خلدون. ترجمه محمّد پروین‌گنابادی، تهران: کتاب.
۵. ابن شهرآشوب، رشیدالدین محمدبن علی، (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب. چاپ سوم، قم: انتشارات علامه.
۶. انیس، ابراهیم و الحلیم المنتصر، (۱۳۶۷). المعجم الوسیط. چاپ دوم، تهران: ناصرخسرو.
۷. ایروانی، جواد، (۱۳۸۴). اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۸. حر عاملی، محمد بن‌حسن، (۱۳۸۴). وسائل‌الشیعه، ۲۵جلد، تهیه و تنظیم حسین نوری و رحمه‌الله رحمتی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. حرّانی، ابو محمد حسن، (۱۳۸۳). تحف العقول. تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: موسسه نشر اسلامی.
۱۰.(۱۳۸۲). تحف‌العقول. ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: انتشارات آل‌علی.
۱۱.حکیمی، امیرمهدی، (۱۳۹۰). با تو عهد می‌بندم. مشهد: انتشارات آستان قدس‌رضوی.
۱۲.حکیمی، محمدرضا و دیگران، (۱۳۷۴). الحیات. ۱۰جلد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳.خوشرو، غلامعلی، (۱۳۷۲). شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون. چاپ اول، تهران: نشر اطلاعات.
۱۴.دخیل، علی محمد علی، (۱۴۰۲ق). ائمتنا. بیروت: دارالمرتضی.
۱۵.دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۵). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶.راغب اصفهانی، (۱۴۱۶ق). مفردات ألفاظ القرآن. تحقیق صفوان عدنان داوودی، الطبعة الاولی دمشق و بیروت.
۱۷.ربیعی، عبدالعظیم، (۱۴۲۳ق). وفاه ارضا. چاپ اول، قم: مکتبه الحیدریه.
۱۸.ساموئلسن، پل آنتونی و ویلیام نوردهاوس، (۱۳۸۴). اصول علم اقتصاد. ۲جلد، ترجمه مرتضی محمدخان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۱۹.صدر، محمدباقر، (۱۳۶۹ق). اقتصاد ما، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
۲۰.عزیزی، عباس، (۱۳۸۱). فضایل و سیره امام رضا(ع) در آثار علامه حسن‌زاده آملی. قم: انتشارات صلاه.
۲۱.عطاردی، عزیز الله، (۱۳۸۸). مسند الامام الرضا. ۲جلد، تهران: عطارد.
۲۲.غفاری، محسن، (۱۳۹۵). پاره‌ای از بهشت(سیرهٔ رضوی از غربت مظلومانه تا شهادت غریبانه)، تهران: زیارت.
۲۳.فضل‌الله، محمدجواد، (۱۳۷۷). تحلیلی از زندگی امام رضا(ع). ترجمه سید محمدصادق عارف، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۴.قمی، شیخ عباس، (۱۳۷۲). نگاهی به زندگی چهارده معصوم (ع). ترجمه محمد مهدی اشتهاردی، قم: انتشارات ناصر.
۲۵.(بی‌تا). سفینه البحار. تهران: سنایی.
۲۶.کتابچی، محسن، (۱۳۷۹). آیین زندگی از دیدگاه امام رضا(ع). مشهد: نشر الف.
۲۷.کلینی، محمد بن‌یعقوب، (۱۳۶۳ق). اصول کافی. ۴جلد، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸.(۱۳۶۲ق). فروع کافی. ۱۰جلد، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹.مامقانی، محمدحسن، (۱۴۲۳ق). غایه الآمال فی حاشیه المکاسب. ۱۰جلد، قم: ثامن‌الحجج.
۳۰.متقی، علی بن حسام‌الدین، (۱۴۲۴ق). کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال. ۱۸جلد، تحقیق محمود عمر الدمیاطی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۱.مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: احیاء التراث العربی.
۳۲.محدث نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ۱۸جلد، قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۳۳.مشکینی‌اردبیلی، علی، (۱۳۹۲). مصطلحات الفقه، تحقیق حمید احمدی الجلفایی، قم: موسسه دارالحدیث العلمیه و الثقافیه.
۳۴.نراقی، ملا مهدی، (بی‌تا). جامع السعادات. ۲جلد، بیروت: مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات.
۳۵.نجفی، محمدحسن، (۱۳۸۸-۱۳۶۵). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. ۴۳جلد، چاپ هشتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶.نمازی، حسین، (۱۳۸۲). نظام‌های اقتصادی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۷.ورام، مسعود بن‌عیسی، (۱۳۷۸). تنبیه الخواطر و نزهه النوادر. ۲جلد، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]